



آیا جهانی شدن باعث تقویت باورهای دینی می‌شود

برخی اندیشمندان بر آنند که جهانی شدن موجب تحکیم اعتقادات و باورهای دینی می‌شود، چنانچه «رابرتسون» بر این باور است که «حداقل در دوره نسبتاً کوتاهی مذهب و مذهبیت تشدید می‌شود».

خبرگزاری مهر- برخی اندیشمندان بر آنند که جهانی شدن موجب تحکیم اعتقادات و باورهای دینی می‌شود، چنانچه «رابرتسون» بر این باور است که «حداقل در دوره نسبتاً کوتاهی مذهب و مذهبیت تشدید می‌شود».

صاحب‌نظران گوناگون با رویکرد اعتقادی خود به جهانی شدن فرهنگ، پیامدهایی را برای این فرآیند قائل شده‌اند که می‌توان آنها را در دو دسته تهدید و فرصت طبقه‌بندی نمود یا از نگاهی دیگر و منطبق با رویکرد و رهیافت سلطه فرهنگی غرب و تکثر فرهنگی این پیامدها را مورد بررسی قرار داد. بررسی پیامدهای جهانی شدن خارج از چارچوب تهدیدها و فرصتها منطقی‌تر به نظر می‌رسد، چرا که عاری از هر پیشداوری است.

عمده‌ترین پیامد جهانی شدن فرهنگ را مخالفان جهانی شدن تهدید هویت‌های فرهنگی ملت‌ها و مسخ شدن آنها در فرهنگ بیگانه، گسترش فرهنگ ایدئولوژی مصرف‌گرایی، تعمیق و گسترش شبکه امپریالیسم فرهنگی، اشاعه و تثبیت بنیادهای اخلاقی و ارزش‌ها و ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع غربی در کشورهایی که از بسیاری جهات از این جوامع دور هستند، مشروعیت یافتن سلطه و استیلای غرب (بویژه آمریکا)، منتفی شدن نظریه نسبیت فرهنگی و همچنین در سطح خود گسترش فقر، بیکاری، فساد، مواد مخدر، رفاه زدگی و جنایات سازمان یافته ذکر می‌کنند.

گروهی که نگاهی خوشبینانه به جهانی شدن دارند و مهم‌ترین و اصلی‌ترین پیامد آن را تکثر فرهنگی می‌دانند و معتقدند که در پی این روند پلورالیسم و تکثر فرهنگی در عرصه جهانی بر مفهوم تلاش گسترده فرهنگ‌های مختلف جهان در شکل‌دهی به وضعیت جهانی است که در قالب مدل‌های مختلف می‌تواند صورت بگیرد.

دیگر پیامدها را این عده توسعه در تمامی ابعاد و وجوه، از میان رفتن فقر و بیکاری، تعمیق و گسترش مفاهیم دموکراسی، حقوق بشر، حقوق مدنی، تحکیم موقعیت نظام ارتباط جمعی در جهان، رفاه اقتصادی، آزادی سیاسی و برابری اجتماعی ذکر می‌کنند.

موافقان و مخالفان جهانی شدن

در میان مخالفان جهانی شدن مارکسیست‌ها، نئومارکسیست‌ها و بنیادگرایان اسلامی قرار دارند. به اعتقاد مخالفان این فرآیند اگر امپریالیسم آخرین مرحله سرمایه‌داری باشد، جهانی شدن آخرین مرحله امپریالیسم است. این عده جهانی شدن را ابزار رشد سرمایه‌داری و ایدئولوژی منعکس‌کننده اراده سلطه‌جویی بر جهان تلقی می‌کنند.

به تعبیر اینان جهانی شدن به مفهوم واقعی آمریکایی‌سازی، غربی‌سازی و ظهور سرمایه‌سالاری در قالب جهانی شدن و ترجمان نوینی از استعمار کهن است و الگوهای پیشنهادی غرب در واقع الگوهای سلطه و حاکمیت بر جهان سوم است که اینک به صورت الگوهای فرهنگی و از طریق امپریالیسم رسانه‌ای تبلیغ می‌شود.

دلیل دیگر مخالفان جهانی شدن نگرانی است که این گروه به نابودی آداب و سنن ملی و بومی و در نتیجه این فرآیند دارند. به نظر این دسته جهان سوم به گونه‌ای یکسویه تولیدات فرهنگی غرب را دریافت می‌کند و ارزش‌های بومی در برابر ارزش‌های جدید قرار گرفته و مغلوب آنها می‌گردد.

البته مخالفان رادیکال جهانی شدن، نابودی آداب، سنن و فرهنگ ملی را با تعبیری چون مورد نفوذ و تهاجم قرار گرفتن یاد می‌کنند و معتقدند که غرب با برنامه‌ای مدون و با استفاده از ابزارهای قوی چون ماهواره و ارائه تولیدات فرهنگی‌اش، بخصوص از طریق آگهی‌ها و تبلیغات تجاری، فرهنگ بومی را مورد حمله قرار می‌دهد و این پروژه‌ای است که غرب جهت تسهیل و تعمیق تاراج منابع جهان سوم ابداع کرده است.

مخالفان، جهانی شدن را در قالب الگوی «171#&مرکز-پیرامون» مورد تحلیل قرار داده و بر این مبنا روند مزبور را تهدیدی برای کشورهای منزوی، ضعیف و پیرامونی می‌دانند و معتقدند که این روند شکاف موجود میان این کشورها را تشدید خواهد کرد.

دلیل دیگر مخالفان به موضوعات دینی مربوط می شود. به اعتقاد اینان جهانی شدن ترویج دیدگاههای سکولاریستی است و آنچه که در کشورهای جهان سوم در معرض خطر است دین و اعتقادات دینی است. از نگاه مخالفان میانه روتر عدم تطابق ارزش های سنتی با ارزش های جهانی و حتی مفاهیم حقوق بشر می تواند منجر به بروز تضاد گردد.

اما از نگاه موافقان، جهانی شدن موجب برتری یافتن آداب و سنن می شود، چرا که در این عصر در نتیجه دادوستد، گفت و گو ها و مناظراتی که وجود دارد، از حالت اقلیمی و خصوصی به وضعیت جهانی در می آید که موجب پویایی و بالندگی آن است و ارزش های محلی بدین گونه امکان تجلی بیشتری در کنار دیگر ارزش ها و سنن و آداب می یابند.

اگر مخالفان جهانی شدن دنیای تیره و تاری از این عصر ترسیم می کنند که فقر، جنایات سازمان یافته، بیکاری و دیگر ناهنجاری های اخلاقی و اجتماعی گسترش می یابد، موافقان مدینه فاضله ای را متصور هستند که در نتیجه جهانی شدن پدید می آید. عصری که موجب رهایی کشورهای جهان سوم از نظام های غیر دموکراتیک و برقراری جامعه مدنی بین المللی می گردد.

در زمینه مذهبی نیز به اعتقاد موافقان، جهانی شدن موجب تحکیم اعتقادات و باورهای دینی می شود، چنانچه رابرتسون¹⁷¹؛ بر این باور است که ^{171#&}؛ حداقل در دوره نسبتاً کوتاهی مذهب و مذهبیت تشدید می شود؛ هانتینگتون نیز معتقد است در عصر جهانی شدن گرایش به دین گرایی و سلطه سکولاریسم در نیمه اول قرن بیستم جهت خود را تغییر داده و رویکرد متفاوتی می یابد که با ارزش های غیر دینی سازگاری ندارد. در این دوران دیگر سخن از سازگار کردن دین با مقتضیات جدید نیست.

این نوزایی دینی تا حدودی به گسترش برخی ادیان در جوامعی که قبلاً پیرو آن دین نبودند، می شود و بخش عمده آن به جوامعی مربوط می شود که به دین سنتی جامعه خویش دوباره روی می آورند و آن را تقویت می کنند.